

• مفهوم محرمیت^۱ و فضا در شهرهای دوران اسلامی

• هوشمند علیزاده^۲

استادیار گروه شهرسازی دانشگاه کردستان

• کیومرث ایراندوست^۳

استادیار گروه شهرسازی دانشگاه کردستان

• کیومرث حبیبی^۴

استادیار گروه شهرسازی دانشگاه کردستان

• محمد بشیر رباطی^۵

مربی گروه شهرسازی دانشگاه کردستان

• چکیده:

شهر قلمرو فرهنگ اسلامی به دلیل متأثر شدن از اصول و ارزش‌های برآمده از دین اسلام، از مشخصه‌هایی برخوردار شده که آن را از دیگر حوزه‌های فرهنگی متمایز می‌سازد. محرمیت بصری از جمله این ویژگی‌هاست که مباحث پیرامون آن در باره آن جاری است. با این وجود در مطالعات شهری فرهنگ غرب عمدتاً به جای اشاره مستقیم به محرمیت، مفاهیم قلمرو یابی^۲ و فضای شخصی^۳ را مورد تأکید قرار داده‌اند. در کنار این دو مفهوم که عمدتاً و امدار مطالعات رفتاری می‌باشند، به مفاهیم دوگانه دیگری همچون محرمیت و اجتماع محلی در مطالعات شهری اشاره شده است. فقدان مرجع مستقیم در زمینه محرمیت در مطالعات یا نظریه‌ی شهری عمدتاً به ماهیت محیط ساخته شده، به ویژه تداخل حوزه‌های خصوصی و عمومی، در فرهنگ غربی ارتباط پیدا می‌کند که از قرن هجدهم به بعد تغییرات چشمگیری را تجربه کرده است. بهای این تغییر را حوزه خصوصی پرداخت نموده زیرا که نهاد خانواده کنترل انحصاری بر قلمرو خصوصی خود را با تضمین دسترسی به حوزه عمومی از دست داده است و به همین خاطر در این زمینه فرهنگی، دوگانگی فضای عمومی و خصوصی کم رنگ شده است. در بافت شهری فرهنگ شرق اسلامی به ویژه خاورمیانه، مفهوم محرمیت بخاطر اهمیت زندگی خانوادگی که به واسطه مفاهیم قرآنی به عنوان مرجع اصلی جامعه نهادینه شده، برجسته شده و بر آن تأکید زیادی شده است. تحقیقات زیادی در ارتباط با شهرهای اسلامی وجود دارد که به طور مستقیم به مفهوم محرمیت و تأثیرات آن بر شکل سکونتگاهها پرداخته است. در این مقاله با مرور متون و اسناد مرتبط با موضوع و بررسی محتوایی آنها مفهوم و ابعاد محرمیت بصری و اکاوی و تحلیل شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مفهوم محرمیت عامل بنیادین کنترل سازمان کالبدی شهر بوده به طوری که منجر به هدایت توسعه از درون به برون شده است. این بدان معنی است که قلمرو خصوصی با پوشش جنبه‌های اصلی زندگی انسان به ویژه در فضای حیاط مرکزی خانه، نسبت به عرصه عمومی ارجحیت پیدا کرده است. بنابراین، چنین می‌توان استدلال کرد که هسته نیروهای شکل دهنده شهرهای اسلامی بر مبنای مفهوم محرمیت بصری و قوانین ساختاری آن (ساختاری درونگرا بر اساس محدودیت‌ها و آستانه‌ها) بوده که از قانون اسلامی نشأت گرفته است.

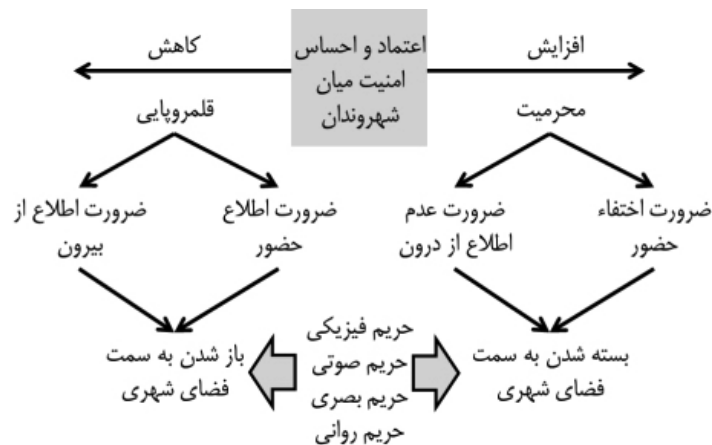
واژه‌های کلیدی: شهر اسلامی، قلمرو خصوصی، محرمیت بصری، فضای عمومی خصوصی

مقدمه:

با توجه به حریم فیزیکی و یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها هستند، در ادبیات غرب تثبیت شد (نقی زاده، ۱۳۹۰: ص ۱۵). در شهر اسلامی احکام و قوانین الهی حاکم مطلق است و دستورالعملهایی در باب عدالت، اخلاق، انصاف، جانمایی کاربری، حقوق عامه، معاملات و بازرگانی، حقوق جزاء و شهروندی، معماری و... دارد. محرمیت بصری از جمله این ویژگی‌هاست که مباحثت پردامنه‌ای درباره آن جاری است. با توجه به آنچه خداوند در قرآن کریم و در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، سوره ۳ آیه مؤمنون و آیه ۵۹ سوره الاحزاب فرموده در معماری شهرهای اسلامی اصل حجاب در سه گونه حجاب دیداری، حجاب صوتی و حجاب رفتاری مورد توجه ویژه بوده است. بگونه‌ای که امکان رؤیت کامل یک فضا هیچگاه میسر نبوده (مانند مسجد و خانه) و فضاهایی مانند اتاق والدین که به لحاظ صوتی و رفتاری نیازمند تفکیک بودند نیز کاملاً منفک از سایر فضاها استقرار می‌یافتند (قرآن کریم). در فضاهای شهری نیز این مسئله را می‌توان در مواردی چون غریب‌گز بودن و عدم جلوه‌گری ورودی محلات شهری و فراهم ساختن فضایی نیمه خصوصی برای ساکنین مشاهده نمود (پاکزاد، ۱۳۸۶). با این وجود، مطالعات شهری فرهنگ غرب عمدتاً به جای اشاره مستقیم به محرمیت، مفاهیم قلمرو یابی^۴ و فضای شخصی^۵ را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ "دو شیوه‌ای که در آن افراد انواع مختلفی از آستانه‌ها/ محدوده‌ها را در محیط برای تنظیم تعامل خود با دیگران ایجاد می‌کنند" (Bell 2000: 253). این دو به طور ضمنی مفهوم محرمیت را که واجد ابعادی مکانی و اجتماعی است، تعریف می‌کنند. طبق دیدگاه آلتمن (۱۹۷۵)، این دو به مانند مکانیسم تنظیم آستانه‌ای عمل کرده تا سطح مورد انتظار محرمیت شخصی و گروهی مشخص گردد.

اسلام به مثابه یک جهان بینی در گستره‌ای وسیع تأثیرات قابل توجهی را بر ساختار و کالبد سکونتگاه‌ها بر جای گذاشته است. در قرآن (آیه ۲۰۵ سوره بقره) و سنت، صریحاً بی‌نظمی در هر کدام از جنبه‌های زندگی محکوم شده و استفاده از تمامی امکانات در جهت دستیابی به ارزش‌های اسلامی مورد تأکید بوده است. در این راستا شهرهای قلمرو فرهنگی اسلامی نیز به دلیل متأثر شدن از اصول و ارزش‌های برآمده از دین اسلام، از مشخصه‌هایی برخوردار شده‌اند که آنها را از غالب حوزه‌های فرهنگی دیگر متمایز می‌سازد. قرآن کریم به عنوان قانون اساسی دین اسلام و نیز بهترین نسخه شفاف‌بخش آلام روحی و جسمی انسان‌ها در برگیرنده‌ی تمامی نیازهای دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌باشد. نسبت به مقوله شهر، نیز توجه ویژه‌ای داشته است. در آیات بسیاری به این مسئله مهم پرداخته شده، تا جایی که خداوند متعال دوبار به شهر قسم می‌خورد: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» (البلد/۲-۱) «سوگند به این شهر، و حال آنکه تو در این شهر جای داری.» مراد از شهر در این آیات، شهر مکه معظمه است. شهر مکه به عنوان الگوی شهر اسلامی و به عنوان ام‌القری اسلامی نامیده شده است (طباطبائی، ج ۱۳۷۴، ۲۰: ۴۸۵). رواج عنوان «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان (به ویژه، «شهر اسلامی» نامیده شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان نشین)، با این فرض که این شهرها از نظر کالبدی، جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده و از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز می‌باشند از قرن نوزدهم میلادی و توسط مستشرقان آغاز شد. از آن دوران به بعد «شهر اسلامی» به شهرهای ساخته شده توسط مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد که به مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تبعات شهری سکونت‌گاه‌های مسلمانان، با تکیه بر این موضوع که





نمودار ۱. تفاوت مفاهیم محرمیت و قلمروپایی در نوع رابطه درون بیرون (ناری قمی ۱۳۸۹، ص ۷۶)

را حوزه خصوصی پرداخت نموده زیرا که "نهاد خانواده کنترل انحصاری خود بر قلمرو خصوصی اش را با تضمین دسترسی به حوزه عمومی از دست می دهد" و در نتیجه در این زمینه فرهنگی دوگانگی فضای عمومی و خصوصی کم رنگ شده است (Parker, 2004: 140). به همین دلیل، ارجاع مستقیم به مفهوم محرمیت که بیشتر با قلمرو خصوصی در ارتباط است، در نظریه ی شهری فرهنگ غربی تا به امروز نادیده گرفته شده است. در مقابل، در بافت شهری فرهنگ شرق به ویژه خاورمیانه، محرمیت به دلیل ماهیت زندگی که در راستای فرهنگ و شرع اسلامی نهادینه شده، موضوع برجسته ای است. بر اساس تعالیم قرآن کریم که منبع اصلی قانون اسلامی است، حوزه خصوصی اهمیت ویژه ای پیدا کرده، زیرا که واحد خانواده به عنوان "پایه ی اصلی ساختار اجتماعی- فرهنگی، و نهادی خودکفا که ثبات ایدئولوژیکی و فرهنگی را در کلیت جامعه تضمین نموده" شناخته می شود (Saleh, 1998: 541). چنین رویکردی، ارزش های فرهنگی و مذهبی خاصی را پدیدار نموده، که در آن محرمیت بصری هم در فضای درونی و هم در فضای بیرونی به عنوان ضرورت و اصلی قابل احترام و برای پاک و منزهی زندگی مسلمانان محترم شمرده شده است (Saleh 1997). به همین دلیل، چنانکه در ادامه اشاره خواهد شد، پژوهش های فراوانی در ارتباط با شهر اسلامی وجود دارد که به طور مستقیم به مفهوم محرمیت و تأثیرات آن بر شکل سکونتگاه ها می پردازد.

البته در مبانی اسلامی میان قلمروپایی و محرمیت تفاوت های قابل توجهی وجود دارد به نحوی که قلمروپایی منجر به باز شدن به سمت فضای شهر می شود در حالیکه محرمیت به بسته شدن به سمت فضای شهری متمایل است (ناری قمی، ۱۳۸۹). در کنار این دو مفهوم که عمدتاً و امدار مطالعات رفتاری می باشند، ارجاعاتی به مفاهیم دوتایی دیگری همچون محرمیت و اجتماع محلی در مطالعات شهری وجود دارد (Lawson 2001). در این راستا، محرمیت بیشتر با حوزه خصوصی یا قلمرو محرمانه و اجتماع محلی با قلمرو عمومی مرتبط است. به این ترتیب، نحوه ی سازماندهی و ارتباط فضایی مابین آنها می تواند بر سطح محرمیت که واجد خصلتی فرهنگی است، تأثیرگذار باشد (Margulis 2003). از کتاب های مرجع مطالعات شهری (Cowan 2005; W.Caves 2005; Parker 2004; Hutchison, 2010) دایره المعارف مطالعات شهری اثر هاچیسون (2010) در بخش مربوط به روانشناسی محیطی، به مفاهیم محرمیت و قلمروپایی پرداخته است. در این بخش، محرمیت همچنان با مفهوم قلمروپایی همراه شده و به عنوان یک مفهوم خاص با توضیح مجزا تعریف نشده است. فقدان مرجع مستقیم در زمینه محرمیت در مطالعات یا نظریات شهری عمدتاً با ماهیت محیط ساخته شده، به ویژه تداخل حوزه های خصوصی و عمومی، در فرهنگ غربی ارتباط پیدا می کند که از قرن هجدهم به بعد تغییر کرده است. بهای این تغییر

اهمیت این مفهوم به گونه‌ای بوده که نقش آن همانند فرمولی اساسی در کنترل سازمان کالبدی شهر اسلامی شناخته شده به طوری که باعث شده که فرایند توسعه شهر از درون به برون عینیت پیدا کند. این بدان معنی است که به واسطه این مفهوم درونگرایی به خصلت اساسی شهر اسلامی تبدیل شده است. (Monteguín 1983; Abu-Lughod 1983; Madanipour 1998; Memarian and Brown 2003; Stewart 2001).

روش تحقیق

با توجه به پیش زمینه، در این نوشتار تلاش بر آن است که دیدگاه‌ها و نقطه نظرات مرتبط با مفهوم حریمیت به ویژه حریمیت بصری در شهرهای اسلامی-تاریخی از طریق مرور متون مرتبط با موضوع و بررسی محتوایی آنها مورد بررسی قرار گیرد تا نقش کلیدی حریمیت بصری در پرداخت ساختار فضایی-کالبدی شهرهای این زمینه فرهنگی روشن شود. روش تحلیل این مقاله روش تخلیل محتوایی^۶ (Content Analysis) است. روشی به منظور دستیابی به ویژگیهای مختلف پیام، دیدگاهها و اندیشه‌های فرستنده پیام، علل صدور پیام و آثار پیام است و برای تجزیه و تحلیل عینی و منتظم پیامهای مختلفی که از طرق گوناگون مبادله می‌شود به کار می‌رود. آنچه در این تعریف اهمیت دارد شروط عینیت، انتظام و عمومیت است.

مطالعات حریمیت در فرهنگ‌های مختلف

در فرهنگ دهخدا واژه حریمیت با ریشه "حرم" به معنای محرم بودن، رازداری و خویشی است و واژه محرم نیز به معنای ناشایست، حرام، کسی که اذن دخول در حرم و خانه شخصی را دارد، خویشاوند، خویش، اهل سر و... تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۹). در این فرهنگ حریم نیز به معنای پناهگاه و خانه شخص و اطراف آن است که از تعرض دیگران در پناه می‌باشد. در فرهنگ فارسی دکتر محمد معین حریمیت معادل محرم بودن تعبیر شده و محرم بودن به معنای ناشایست، حرام/خویشاوندی که نکاح او جایز نباشد/زن/خویشاوند/آشنا/واقف/کار/مقرب و ندیم بکار رفته است (معین، ۱۳۷۱).

«در قرآن کریم در موضوعات و موارد بسیاری واژه‌های «حرم»، «حریم» و «حرام» آورده شده است. برای مثال در محدوده زمان و مکان موضوعاتی که با عنوان «حرام» در کتاب خداوند مشخص گردیده‌اند مواردی چون «شهر حرام»، «خانه حرام»، «ماه حرام» و... می‌باشد. علاوه بر آن، «شعائر حرام» یا مجموعه ارزش‌های مقدس و حدود خداوند و آنچه تحت عنوان «حرمت» (یا حقوق الهی که احترام آنها بر انسان مسلمان واجب است) آورده شده نیز از جمله حریم‌های تعیین شده در قرآن هستند.

نکته اساسی این است که این حریم‌ها و مجموعه آنچه توسط آنها محافظت می‌گردد همگی از «طبیات» هستند و «طبیات» عبارتند از آنچه مطابق و هماهنگ با فطرت الهی انسان است. و آنچه از افعال که فرد مؤمن از انجام آنها نهی شده و با عنوان «حرام» مشخص گردیده، «خبائث» نام نهاده شده‌اند، و «خبائث» عبارتند از آنچه بر خلاف فطرت پاک و خدا جوی انسان مسلمان می‌باشد، و از نظر فیزیکی نیز با طبیعت انسان سازگاری ندارد»^۷ (علی آبادی، ۱۳۸۰). لذا مطابق با تعالیم اسلامی، انجام طبیات (همانند رعایت حریم‌ها) انسان را در مسیر رشد قرار داده و پرداختن به خبائث او را از مسیر کمال دور می‌نماید.

از آنجا که «هماهنگی قوانین و مقررات دین با نیاز واقعی جامعه و مناسبت آن با تحولات اجتماع و مطابقت آن با سرشت و سیر جوهری انسان، میزان حق بودن آنرا نشان می‌دهد» (جوادی آملی، ۱۳۸۴)، این مطابقت با فطرت در موضوع حریم و در مطالعات میدانی کشورهای مختلف نشان داده که «حریم خصوصی به عنوان یک علاقه بنیادین انسان در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شود. این حریم مکانی است که دارای حدود بوده و نباید بدون دلیل مورد تعرض قرار گیرد (هاشمی طغراجرودی، ۱۳۹۰)

در تعریف دیگری، حریمیت کالبد دادن به فضای معماری و شهرسازی است به گونه‌ای که از هر دو جنبه حریم کالبدی و معنایی برخوردار باشند. این حریم در حوزه کالبدی غالباً به امنیت فضا و کیفیات مترتب بر آن بازگشته و در زمینه معنایی با ویژگی‌هایی مرتبط است که حرمت و ارزش فضا را تضمین



تفاوت قابل شده است (Schoeman 1984). نیول، محرمیت را شرایط موقت و داوطلبانه جدایی از قلمرو عمومی تعریف می‌کند (Newell 1998). این عبارت با واژه انزوا پیوند داشته و با مفاهیم اشتراکی، عمومی و اجتماعی در تضاد می‌باشد (Georgiou 2006).

در تعاریف متفاوت ارایه شده از محرمیت، نکته مهمی وجود دارد که این مطالعه را به مسیری متناسب با هدف اصلی این تحقیق هدایت می‌کند، که آن جهت‌گیری اصلی مفهوم محرمیت در راستای تمایز میان دو عرصه اصلی زندگی است؛ عرصه عمومی که فضاهای اجتماعی را در بر می‌گیرد و عرصه خصوصی که شامل فضاهای خاص زیست افراد و خانوارها است. چنین نگرشی، محرمیت را نه تنها با مفهوم صمیمیت بلکه با شیوه کنترل روابط شخصی افراد با دیگران بویژه با دنیای خارج از قلمرو خصوصی مرتبط می‌کند (Madanipour 2003). هم چنین، نگرش مذکور ارتباط قوی محرمیت با رفتار و فعالیت‌هایی که امکان یا عدم امکان دسترسی به افراد یا مکانها و اطلاعات را میسر می‌سازد، نشان می‌دهد. در کل، "محرمیت فرایند تنظیم تعامل با دیگران، یعنی فرایند جدلی کاهش یا افزایش روابط می‌باشد" (هر دو جنبه کلامی و غیر کلامی) (Witte 2003: 8) که شامل "هم تحدید تعامل و هم طلب آن است" (Altman 1975: 10). با توجه به این بررسی و چشم انداز مفهوم محرمیت انسانی، و با مراجعه به نوشته های ابوغزه، محرمیت سه کارکرد را داراست: محدود کردن تعامل اجتماعی، تثبیت راهبردهایی برای مدیریت تعامل و نگهداری و توسعه هویت شخصی (Gazze 1995).

به استناد توضیحات ارایه شده، میزان تعامل متغیر و متفاوت بوده و بسته به زمان و مکان و از فردی به فردی دیگر تغییر می‌کند. قابل توجه اینکه، تغییر پذیری مابین فرهنگ‌ها به نحو برجسته‌ای قابل تشخیص است. برای مثال، جوامع بالی (Bali) و جاوا (Java) در اندونزی از نظر برخورداری از محرمیت کالبدی (حجاب دیداری) با هم در تناقض می‌باشند؛ خانه های مردم جاوا معمولاً نسبت به عرصه عمومی باز بوده، در حالی که خانه های مردم بالی درون‌نگرای محصور می‌باشند.

نموده و برای فرد آرامش را به ارمغان بیاورد. به منظور ارائه تصویری واضح‌تر از این بحث، در آیه شریفه ۸۰ از سوره نحل، خداوند می‌فرماید: "خداوند در خانه‌هایتان جایی را برای آرامش شما قرار داد و از پوست چارپایان خیمه‌هایی برای شما مقرر کرد تا در موقع استقرار و کوچ، سبک و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و موی آنها اثاث زندگی و مایه تجارت قرار داد تا در حیات دنیوی از آن استفاده کنید" (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶). اشرافیت مفهومی ذهنی است که هر دو فضای خصوصی و عمومی را در بر گرفته و بیشتر به زمینه مورد مطالعه بستگی داشته و از لحاظ فرهنگی و حتی از فردی به فردی دیگر نیز متفاوت می‌باشد. ریشه تاریخی این مفهوم را می‌توان در مباحث مشهور فلسفی ارسطو یافت، به ویژه آنجا که مابین قلمرو عمومی فعالیت سیاسی یا عینیت/ظاهر (مفاهیم آگورا و پلیس/شهر دولت) و قلمرو خصوصی مرتبط با خانوار و زندگی خانوادگی یا دنیای پنهان خانوار (اویکاس/بوم) تمایز قابل شده است (Stanford Encyclopedia of Philosophy). در فرهنگ لغات معمولاً کاربردهای عام این مفهوم بیان شده است. فرهنگ لغت مریم وبستر (Merriam-Webster Online 2009) محرمیت را به عنوان کیفیت یا حالتی از وجود/بودن در نظر می‌گیرد که از همراهی با جمع یا مشاهده شدن برحذر می‌باشد؛ یعنی آزاد از دخول سرزده و بدون اجازه و مکان انزوا، اما به درستی مشخص نکرده که آیا این توصیف مربوط به افراد است یا اشیا. فرهنگ آکسفورد (2009) محرمیت را حالت یا شرایطی از بودن/وجود تنها، بدون مزاحمت یا آزاد از هر گونه توجه و نگاه عمومی در چارچوب موضوعیت حق و انتخاب تعریف می‌کند؛ یعنی آزادی از مداخله و دخول بدون اجازه. برای برخی افراد، محرمیت به حقی به منظور جلوگیری از تماس یا همجواری توسط افراد دیگر بدون رضایت تبدیل شده است (Kaminsky, 2003 cited in Gordon, 2004). شوومن در خلاصه‌ای از پیشینه موضوع محرمیت در سال ۱۹۸۴، مابین محرمیت به عنوان ارزشی اخلاقی در زندگی شخصی و محرمیت به عنوان ابزاری برای حفظ روابط انسانی



بررسی مختصر مذکور از متون موضوع به همراه سایر مطالعات انسان‌شناسی و روابط محیط-رفتار (Rapoport 1962; Altman 1977; Rapoport 1977; Kent 1984; Lawrence 1990; Rapoport 1990; Khazanov, Crookenden et al. 1994; Oliver 1997; Saleh 1997; Al-Kodmany 1999; Al-Kodmany 2000; Memarian and Brown 2003; Hashim, Rahim et al. 2006) چنین می‌نمایند که هنجارها و آداب و رسوم گروه‌های مختلف فرهنگی و نژادی که در نحوه استفاده از فضا-چیدمان فضایی و طراحی خانه، و حتی در فواصل و جهت‌گیری مردم نسبت به یکدیگر- منعکس می‌شود، در فرهنگ‌های مختلف متفاوت می‌باشد (Abu Gazzeh 1995: 94, 95). در این باره عربی عنوان می‌کند که "فرهنگ شیوه زندگی است با واژگانی از هویت و عناصر طراحی که بصورت زبان خاص معماری تفسیر و تجلی یافته و به آن سبک، تمایز و شخصیت ویژه ای داده است" (Elaraby 1996: 138). این دیدگاه مؤید آن است که چیدمان فضا نیاز به تطابق با سنن فرهنگی نهادینه شده جامعه دارد، به این معنی که هر فرهنگی شیوه‌ای متفاوت نسبت به پرداخت فضا در پیش گرفته است. این چشم‌انداز در توافق با نظر آلتمن می‌باشد زیرا او دو نوع مکانیزم رفتاری و محیطی را فرض می‌کند که تنظیم‌کننده حریم هستند (Altman 1977). مکانیزم‌های رفتاری شامل رفتارهای کلامی و غیر کلامی هستند و تحت تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌باشند. "مردم در تمام فرهنگ‌ها از طریق مکانیزم‌های رفتاری خاص خود که به واسطه آنها دسترس پذیری کنترل می‌شود، و در تنظیم و تعدیل تعامل اجتماعی تأثیرگذار هستند" (Hashim and Rahim 2008: 94). این بدان معنی است که مکانیزم‌های مورد استفاده می‌تواند به میزان قابل توجهی از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت باشد. بنابراین، الگوی فرهنگی که مفهوم حریم بخشی از آن می‌باشد، عامل مهمی است که بر "سطح مصرف فضای قابل قبول اجتماعی و میزان و نحوه همجواری آن" تأثیر گذار می‌باشد (Burgess 2000: 14).

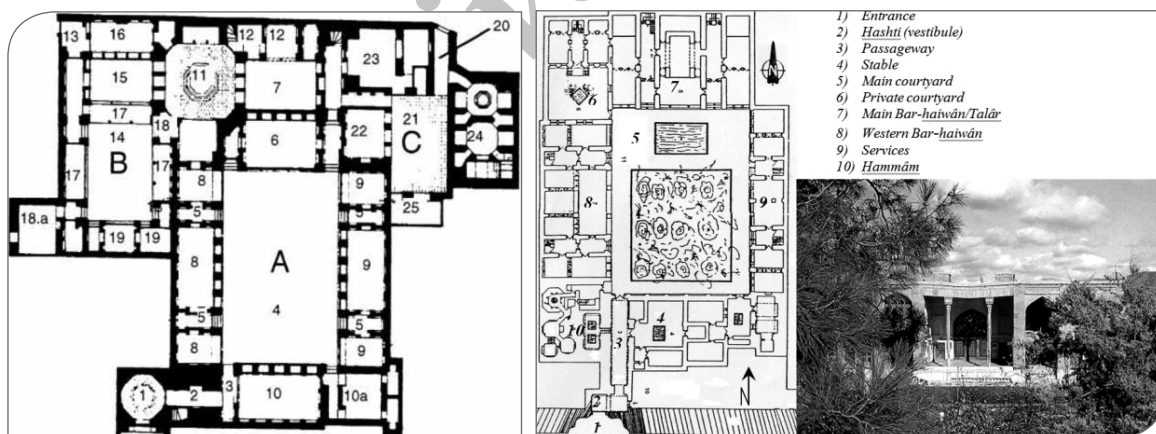
خانه‌های جاوایی کوچک و تک‌خانوار منفصل بوده که از نی ساخته شده‌اند و دیوار و یا حصار در اطراف آنها وجود ندارد. دیوار اتاق‌ها نیز نازک و سست بافته شده‌اند و حتی درب هم ندارند. با توجه به چنین پرداختی از تعامل در ساخت خانه‌ها که در نقطه مقابل مفهوم سازی غرب از حریم قرار می‌گیرد، شخصی ممکن است چنین تصور کند که جاوایی‌ها ارزشی برای حریمت قابل نیستند. این پاسخ مسأله نیست، زیرا که جاوایی‌ها حریمت را از طریق دیوار نازک، خودداری احساسی و خلوص در صحبت و رفتار (حجاب رفتاری) حفظ می‌کنند. در مثالی دیگر، بر طبق نوشته‌های هال، می‌توان نحوه برخورد آلمانی‌ها با مفهوم حریمت را درک کرد (Hall, 1966). همان طوری که هال عنوان می‌کند، آلمانی‌ها پیش از آمریکایی‌ها نسبت به جدایی کالبدی به منظور حفظ حریمت از طریق تعریف ورودی و طرح‌های کالبدی ویژه حساس هستند. هم‌چنین، هال انگلیسی‌ها را افراد خصوصی مآب قلمداد می‌کند، اما به جای موانع کالبدی آنها این خصلت را از طریق رعایت فاصله از دیگران از راه شیوه‌های گفتاری و غیر گفتاری (همچون ویژگی‌های تن صدا و اشاره چشم) اعمال می‌کنند. برای روشن شدن بیشتر موضوع، می‌توان به جامعه مالایی‌ها در مالزی اشاره کرد. اگرچه مالایی‌ها سنتاً مسلمان هستند، اما آنها درک نسبتاً متفاوتی از حریمت نسبت به سایر مسلمانان دارند. جامعه مالایی‌ها معمولاً تأکید بیشتری بر صمیمیت اجتماعی نسبت به حریمت خانوادگی و شخصی دارند. اولویت اندک داده شده به حریمت، "در طراحی باز و قابل انعطاف خانه سنتی مالایی‌ها انعکاس یافته است" (Hashim, Rahim et al. 2006: 305). با این حال، تفکیک مشخص فضاها با تغییرات جزئی در سطح به جای ایجاد دیوار، سطح مورد نیاز حریمت را فراهم آورده است. در این راستا، فضای مهمان (حوزه عمومی) با قلمرو مشخص در بخش جلویی خانه و فضای خانواده (حوزه خصوصی) یا قلمرو زنان در بخش انتهایی خانه واقع شده‌اند (Hashim, Rahim et al. 2006). مثال مذکور نکته قابل توجهی را در ارتباط با ماهیت رفتار و محیط شهری (رفتار فضایی) از نظر تفکیک فضایی حاصل شده، نشان می‌دهد.



در آموزه‌های اسلامی مرتبط است زیرا که "اسلام اولویتی خاصی برای محرمیت بصری سکونتگاه‌ها به عنوان ضرورتی برای حفظ پاک‌ی و منزهی زندگی قائل می‌شود". اهمیت این مفهوم در معماری ایرانی بیشتر در راستای مفاهیم اجتماعی محرم و نامحرم شناخته شده، مفاهیمی که آستانه‌های تعامل بین مرد و زن را در ساختار اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی نهادینه نموده است (Mazumdar and Mazumdar 2001). نمود غیر کلامی مفاهیم فضایی را می‌توان در ساختار خانه‌ها، به خصوص خانه‌های افراد ثروتمند و برجسته، مشاهده کرد. در چنین خانه‌هایی ساختاری چند حیاطی خانه را به دو بخش جداگانه‌ای تعریف می‌کند: یکی اندرونی، که حوزه خصوصی را تعریف می‌کند و دومی بیرونی، که قلمرو عمومی را مشخص می‌کند. در راستای این مفاهیم، برخی از خانه‌ها، به ویژه خانه‌های بزرگ مربوط به اغنیا و صاحب منصبان، به منظور افزایش حس محرمیت با جداسازی بخش مردان از زنان، به دو حیاط یا حتی بیشتر نیز ساختار بندی شده‌اند (شکل شماره ۱).

محرمیت بصری^۸

بر اساس پیشنهاد آلمن و چمرس (1987)، راپاپورت (1977) و سایرین، در پژوهش محیط - رفتار هر متغیر یا زیر متغیری می‌تواند کانون مطالعه باشد (Al-kodmany 2000). در این راستا، مطالعه حاضر محرمیت بصری را به عنوان زیر مجموعه مفهوم محرمیت که عاملی کلیدی در سازماندهی فضا در معماری و طراحی شهری شهرهای اسلامی به حساب می‌آید، انتخاب تا به طور ویژه مورد پویش بیشتر قرار گیرد. محرمیت بصری به طور ویژه به عنوان مفهومی آیینی و اجتماعی تأثیر به‌سزایی بر روی فرم و شکل ساخته شده شهرهای اسلامی به ویژه "ایجاد تمایز میان حوزه‌های عمومی و خصوصی" در چیدمان عناصر فضایی-کالبدی سکونتگاه‌ها و حتی در پیکربندی فضایی داخل خانه و ارتباط آن با فضای خارج داشته است (Abu-Lughod 1983; Madanipour 1998; Memarian and Brown 2003; Stewart Al-Kodmany 2001: 177). همان طوریکه ال کودمانی (2001: 285) بیان داشته، این رویکرد بیشتر با موضوع اخلاق



شکل ۱. پلان خانه‌های چند حیاطی در شهرهای اسلامی

راست- عمارت آصف در شهر سنندج: ۱- ورودی از عرصه عمومی با برخورداری از فضایی نیمه هشتی ۲- هشتی ۳- کریدور با زاویه ۴۵ درجه منتهی به حیاط اصلی ۴- حیاط مهمانان ۵- حیاط اصلی (عمومی) ۶- حیاط خصوصی (اندرونی) مأخذ: (Alizadeh 2005)
چپ- خانه فروغ الملک در شیراز ۱- هشتی ورودی ۲- کریدور اول ۳- کریدور دوم ۴ (A)- حیاط اصلی ۱۴ (B)- حیاط دوم ۲۱ (C)- حیاط سوم
مأخذ: (Memarian & Sadoughi 2011)

از سوی دیگر در اصل سلسله مراتب نیز ارتباط قلمروهای مختلف محیط زندگی از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) تعریف و تبیین می‌گردد. در رابطه با مسکن، سلسله مراتب را می‌توان در دو درجه بیرونی و درونی مورد مذاقه قرار داد. سلسله مراتب بیرونی به ارتباط مسکن با سایر فضاها و عملکردهای پیرامون آن می‌پردازد، در حالی که سلسله مراتب درونی بر تبیین ارتباط عناصر داخل مسکن با یکدیگر متمرکز است (نقی زاده، ۱۳۹۱). با توجه به نکات مطرح شده می‌توان مفهوم محرمیت را به عنوان عامل بنیادین کنترل سازمان کالبدی شهر در فرهنگ اسلامی به حساب آورد به طوریکه منجر به هدایت توسعه از درون به بیرون شده است. این بدان معنی است که قلمرو خصوصی با پوشش جنبه‌های اصلی زندگی انسان بویژه در فضای حیاط مرکزی خانه-مکانی که فرد مسلمان می‌تواند با فراغ خاطر و به دور از هیاهوی عرصه عمومی از زندگی خانوادگی خود بهره‌مند شود- نسبت به عرصه عمومی

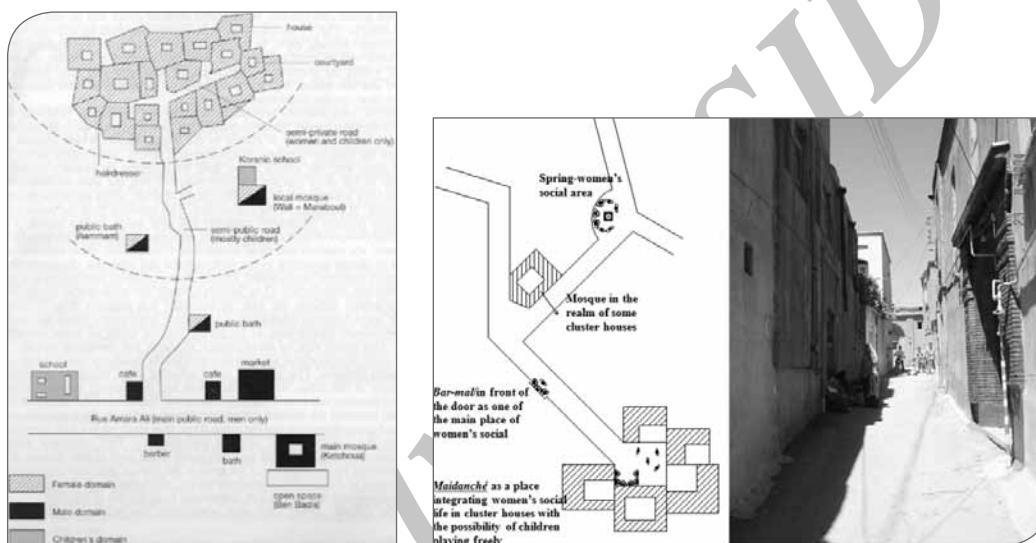
ارجحیت پیدا کرده است" (Monteguain 1983: 48). اهمیت قلمرو خصوصی را نیز می‌توان در نظریات اسلام مرتبط با واحد خانواده به عنوان "اساس ساختار اجتماعی-فرهنگی جامعه و نهاد خود پایداری که ثبات ایدئولوژیکی و فرهنگی را در سرتاسر جامعه تضمین می‌کند" تشخیص داد (Saleh 1998: 541). بنابراین، به نمای داخلی بیش از نمای خارجی اولویت داده "که خود موجب می‌شود درون به واحه ای خنک و با طراوت، جهانی آکنده از سعادت سرمدی روشن و مصفا تبدیل شود" (بورکهارت ۱۳۶۹: ۱۳۸). نماهای خارجی معمولاً ساده با بازشوهای کوچک بالاتر از سطح چشم رهگذران، به منظور جلوگیری از دید آنها به داخل، می‌باشد (شکل شماره ۲). ورودی خانه تنها استثنای نمای خارجی است که معمولاً به تناسب شأن و موقعیت ساکنین تزئین شده است. همانطوری که حکیم (۱۹۸۶) اشاره می‌کند، حتی محل و موقعیت ورودی و بازشوها در خانه‌ها بخاطر نیاز به ایجاد مانع در مقابل دید مستقیم رهگذر تحت تاثیر بوده است (Hakim 1986).



شکل ۲. قرارگیری بازشوها بالاتر از سطح چشم رهگذران و عدم قرارگیری بازشوها و ورودی‌ها در دو طرف کوچه مقابل با هم
چپ: کوچه بن بست در شهر قطیف در عربستان مأخذ: (Mortada 2003) راست: خیابانی در شهر تونس مأخذ: (Hakim 2008)



نیمه عمومی از قلمرو عمومی مجزا شده است. لایه میانی همانند عرصه انتقالی مابین دو لایه‌ی اصلی عمل کرده تا از این طریق فضایی محاط و کنترل شده توسط همسایگان همجوار با حس مسؤلیت‌پذیری خویشاوندی ایجاد گردد (Madanipour 1998: 243; Abu-Lughod 1983: 67). این لایه، فضای اصلی تعامل اجتماعی زنان و کودکان می باشد (Saleh 1997). قابل توجه اینکه، این فضا در تعدادی از شهرهای ایران به عنوان کوچه آشتی کنان معروف می باشد (شکل شماره ۳).



شکل ۳. تسلسلی از دسترسی‌های غیر مستقیم و شکسته با انحنای زیاد که تجلی بخش افزایش درجه حریمیت در ساختار فضایی-کالبدی شهرهاست اسلامی است. راست: شهر سندنجد مأخذ (Alizadeh 2007: 420) چپ: شهر الجزیره مأخذ (Saoud 1997: 290)

پیدا کرده، نهادینه نموده است (Memarian and Brown 2003: 188). این بدان معنی است که مسکن در شهر اسلامی، در راستای برآورد نیاز مطرح شده، "با دیوارهای بلند و بدون روزنه (بازشو) از عرصه عمومی جداگشته و روی برتافته است" (Warren and Fethi 1982: 44). با توجه به رویکرد حاصل شده، ساختار حیاط مرکزی به عنوان ارزشی نمادین و مفهومی بی‌زمان "تصویر جهان صغیر از نظم هستی را در تطابق با نیازهای نظم اجتماعی اسلام تجلی می‌سازد" (Petherbridge 1984: 201; Bianca 2000: 79). به همین خاطر، بکارگیری این ساختار را می‌توان در مناطقی از سرزمین‌های اسلامی

تعامل مابین قلمروهای عمومی و خصوصی معمولاً از طریق "تسلسلی از دسترسی‌های غیر مستقیم و شکسته با انحنای زیاد می‌باشد که خود تجلی بخش افزایش درجه حریمیت است" (Bianca 2000: 37) (شکل شماره ۳). در صورتیکه در شهرهای اروپایی این شیوه ساخت عموماً به دلیل تبعیت از مسیر راه‌های تجاری و مسائل زیبایی‌شناسی بوده است (پاکزاد، ۱۳۹۰؛ بیکن، ۱۳۹۱؛ کالن، ۱۳۷۷). این موضوع منجر به سازمان دهی فضا در سه لایه شده به طوری که قلمرو خصوصی به واسطه فضایی نیمه خصوصی-

از لحاظ کالبدی، تمایل به حریمیت حتی به مسیر دسترسی به قلمرو خصوصی نیز تعمیم پیدا کرده بطوریکه قبل از ورودی خانه فضایی نیمه خصوصی به شکل نیمه هشتی تعریف شده است. این فضا نیز از طریق کریدوری زاویه دار به منظور انحراف دید مستقیم ناظر به داخل خانه، همچون فضایی انتقالی مابین دو عرصه عمومی و خصوصی، به حیاط مرکزی^۹ اتصال می‌یابد.

تمایل زیاد به حریمیت، ساختار حیاط مرکزی مسکن را که "واجد حریمیت بصری بالا و مشخصه اتاق‌های درونگراست" و به خوبی با نیازهای فرهنگی و کالبدی شهر اسلامی مطابقت

و در آیات ۲۹-۲۷ سوره نور چنین آمده: "ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس ندارید وارد نشوید و چون رخصت یافته و داخل شوید، نخست سلام کنید ...". (مرتضی، ۱۳۸۷) به نقل از قرآن کریم). پیامبر اکرم (ص) نیز مردان را از حضور پنهانی حتی به خانه خود برحذر داشته و به آنها توصیه می‌کند پیش از ورود ۳ بار رخصت بگیرند و با اذن صاحبخانه وارد شوند (مرتضی، ۱۳۸۷). با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت که فضای عمومی غالباً برای زنان مسلمان ناامن تشخیص داده می‌شود و آنها باید تا حد امکان از حضور در آن پرهیز کنند. در این راستا، شکل شهر اسلامی نیز باید به نحوی سازماندهی گردد که این روابط را مابین زنان و مردان، خارج از پیوندهای نزدیک خویشاوندی، به حداقل ممکن برساند (Abu-Lughod 1983).

برخلاف استدلال‌های برخی از نویسندگان فمینیست، کسانی که ادعا می‌کنند که شهرها در طول تاریخ بدون هیچ گونه ارجاعی به نقش زنان ساخته شده‌اند (Richter 1982 cited in Madanipour 1996)، نتیجه منطقی مفهوم محرمیت بصری، به دلیل تأکید بر ساخت شهر از طریق ایجاد حایل‌های کالبدی و سلسله مراتب فضایی در راستای پوشش زنان از دید بصری بیگانگان (ناظرین)، برجسته شدن نقش و شخصیت زنان در ساخت شهرهای اسلامی می‌باشد.

تکیه بر اسلام جهت شکل‌یابی و شکل‌دهی محلات و نواحی شهری و به طور کلی محیط‌های انسان ساخت اسلامی فراهم می‌گردد. این اصول نهایتاً می‌توانند دانش شهرسازی و معماری را به سمت ایجاد محیطی اسلامی هدایت نمایند. بنا بر بیشتر دیدگاه‌ها می‌توان محرمیت را به عنوان مفهومی آیینی و اجتماعی به حساب آورد که تأثیر عمده‌ای بر شکل شهرهای اسلامی داشته است. انتشار آن در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی و تداوم آن از دوران اسلامی، آن را به مفهومی بی‌زمان و لامکان و قابل انتقال به نسل‌های آتی تبدیل کرده است. بنابراین، چنین می‌توان

با بارش سنگین برف همچون کابل در افغانستان و سنندج در ایران، جاهاییکه بارش سنگین برف این مدل ساختاری را از لحاظ اقلیمی برای استفاده‌کنندگان بی‌فایده و ناکارآمد می‌نماید، نیز مشاهده نمود (Hakim 1994: 126).

همانطور که توضیح داده شد، نکته اصلی مرتبط با اصل محرمیت فضایی کنترل تعاملات اجتماعی مابین مردان و زنان است. خداوند در قرآن (آیات ۶۲-۵۸ سوره نور) از زنان و مردان می‌خواهد حتی در داخل منزل خویش نیز در مواردی نظیر نحوه برقراری ارتباط و پوشش، حجب و حیا را مورد توجه قرار دهند (مرتضی، ۱۳۸۷). قانون اسلامی ملزم دانسته که "روابط احساسی و جنسی باید در چارچوب هسته خانواده به منظور تحکیم زندگی خانوادگی، کاهش تنش‌های اجتماعی" و جلوگیری از هرگونه بی‌نظمی و بزهکاری اجتماعی متمرکز و نهادینه شود (Memarian and Brown 2003: 188). یعنی "خانه، حرم، خانواده است و قلمرو حکمروایی زن که مرد در آن قلمرو میهمانی بیش نیست. بنابراین، خانه اسلامی به روی دنیای خارج بسته است- و بدین‌گونه زندگانی خانوادگی از حیات مشترک اجتماعی جدا و سواگشته- و فقط بالای آن به سوی آسمان باز است که آسمان از آن طریق، در پایین، در چشمه آب حیا، انعکاس می‌یابد" (بورکهارت ۱۳۶۹: ۱۴۸). در این راستا قرآن کریمبر اذن دخول پیش از ورود به خانه تأکید داشته‌اند

نتیجه‌گیری

با بهره‌گیری و تقحص در آیات قرآن و مستندات تاریخ اسلام و حتی اندیشمندان غربی، امکان استخراج و تدوین اصولی برای تعریف رابطه انسان و محیط و روابط انسانها با یکدیگر در محیط ساخته شده شهری فراهم است که این اصول نهایتاً می‌توانند طراحی و برنامه‌ریزی شهرها را به سمت ایجاد محیطی اسلامی هدایت نمایند. با بهره‌گیری و تقحص در آیات قرآن و مستندات تاریخ اسلام و حتی اندیشمندان غربی نه تنها امکان بازتعریف و فهم اصول حاکم بر شهر اسلامی فراهم است بلکه امکان تشکیل یک پایگاه فکری با دوام و پرقوام از منظر تاریخی / مذهبی با



کالبدی شهرهای اسلامی می باشد. به طوریکه سازمان فضایی شهرها بر مبنای محدود نمودن آستانه‌های روابط اجتماعی بوده است. چالش اصلی مفهوم محرمیت در شهرهای اسلامی با معرفت جدایی‌گزینی جنسی خارج از پیوندهای نزدیک خویشاوندی در ارتباط است، به طوریکه در ساخت شهرهای اسلامی، بویژه در نحوه دسترسی قلمرو خصوصی از معابر عمومی و بلعکس، حضور زنان در قلمرو عمومی و موضوع اشرافیت بصری، به آن توجه ویژه‌ای شده است. از این نظر، چنین می‌توان فرض نمود که در ساخت شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان زنان نقش برجسته‌ای داشته‌اند و عناصر شکل دهنده شهرها در راستای چگونگی حضور یا عدم حضور آنها سازمان‌دهی شده‌است.

استدلال کرد که هسته نیروهای شکل دهنده شهرهای اسلامی بر مبنای مفهوم محرمیت و قوانین ساختاری آن (ساختاری درونگرا بر اساس محدودیت‌ها و آستانه‌ها) می‌باشد که از قانون اسلامی نشأت گرفته است. چنین برداشتی قاعدتاً شکل شهری ویژه و متفاوتی را از آنچه به عنوان مدل شهر غربی نام برده می‌شود، در تمام سرزمین‌های اسلامی تعریف می‌کند. بنابراین، در تقابل با تفکر تعدادی از شرق شناسان، می‌توان چنین بیان داشت که سازماندهی ساختار فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های شهر اسلامی اتفاقی و بی‌نظم نبوده بلکه در پاسخ به الگوی مروادات اجتماعی و در تطابق با جامعه اسلامی و زمینه طبیعی آن تجلی پیدا کرده است. نتیجه منطقی مفهوم محرمیت و مناسبتش با زمینه مورد مطالعه، نحوه تأثیرگذاری آن بر سازماندهی فضایی-



پی‌نوشت:

1. Privacy
2. Territoriality
3. Personal space
4. Territoriality
5. Personal space
6. Content Analysis

۷. علامه طباطبایی می‌فرماید: حلال عبادتست از آنچه با طبیعت قوا و ارگان‌های انسان سازگار است و میزان بهره‌برداری از آنها را نیاز حقیقی انسان تعیین می‌کند و حرام اصولاً با این طبیعت ناسازگار است. همچنین در معنای طیب گفته‌اند: طیب به معنای بودن هر چیزی بر وضع اصلی خود است، بطوری که از هر چیزی که آن را کدر و فاسد کند خالی و عاری باشد، چه از آن تنفر بشود و چه نشود (ترجمه المیزان، ج ۱۲، ۳۴۴ و همان، ج ۱، ۶۳۱)، برای شرح بیشتر رجوع شود به: جامع تفاسیر نور، (سی دی دائرة المعارف چندرسانه ای قرآن کریم).

8. Visual Privacy
9. Courtyard
10. Sacratum

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۷۶. هنر مقدس، اصول و روشها (ترجمه جلال ستاری) سروش، تهران.
۳. بیکن، ادموند. ۱۳۹۱. طراحی شهرها، فرزانه طاهری، شهیدی، تهران.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۶. راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، شهیدی، تهران.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۹۰. تاریخ شهر و شهرنشینی در اروپا (از آغاز تا انقلاب صنعتی)، آرمانشهر، تهران.
۶. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران.
۷. نقی زاده، محمد. ۱۳۹۰. تأملی در چیستی شهر اسلامی، مجله شهر ایرانی-اسلامی، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر، شماره ۱.
۸. سیفیان، محمدکاظم؛ محمودی، محمدرضا. ۱۳۸۶. محرمیت در معماری سنتی ایران، نشریه هویت شهر، شماره ۱، پاییز و زمستان.
۹. کالن، گوردن. ۱۳۷۷. گزیده منظر شهری، دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. مرتضی، هشام. ۱۳۸۷. اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۱۱. معین، محمد. ۱۳۷۱. فرهنگ فارسی، جلد سوم، چاپ هشتم، سپهر، تهران.
۱۲. طباطبائی، محمد حسین. ۱۳۷۴. المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین قم.
۱۳. علی‌آبادی، محمد. ۱۳۸۰. تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری خانه و محله، مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزرات مسکن و شهرسازی.
۱۴. هاشمی طهرالجردی، سیدمجید. ۱۳۹۰. رساله دکترای معماری در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت با عنوان: «اصول حاکم بر حریم خانه در اندیشه اسلامی: بازشناسی قاعده «لاضرر» در قوانین و مقررات معماری و شهرسازی مرتبط با حریم بصری خانه».



15. Abu-Gazze, T. 1995. "Privacy as the basis of architectural planning in the Islamic culture of Saudi Arabia." *Architecture and Behaviour* 11: 93-112.
16. Abu-Lughod, J. 1983. Contemporary Relevance of Islamic Urban Principles. In *Islamic Architecture and Urbanism*. A. Germen(ed). Dammam, Ging Faisal university: 64-70.
17. Al-Kodmany, K. 1999. "Residential visual privacy: traditional and modern architecture and urban design." *Journal of Urban Design* 4(3): 283-311.
18. Al-Kodmany, K. 2000. "Women's Visual Privacy in Traditional and Modern Neighbourhoods in Damascus." *Architecture and Planning Research* 17(4): 283-303.
19. Alizadeh, H. 2005. The design principles of traditional urban cores in Iran: a case study of Qatâr-chyân quarter, Sanandaj. Dept. of Architecture, Planning and Landscape. Newcastle Upon Tyne, Newcastle Upon Tyne. PhD.
20. Alizadeh, H. 2007. "Changes conceptions of women's public space in the Kurdish city." *Cities* 24(6): 410-421.
21. Altman, I. 1975. *The environment and social behavior*, Brooks/Cole Monterey, CA.
22. Altman, I. 1977. "Privacy regulation: Culturally universal or culturally specific." *Journal of Social Issues* 33(3): 66-84.
23. Altman, I. and M. M. Chemers. 1984. *Culture and environment*, Cambridge Univ Pr.
24. Bell, P. A., T. Greene, et al. 2005. *Environmental psychology*, Lawrence Erlbaum Assoc Inc.
26. Bianca, S. 2000. *Urban Form in the Arab World: past and present*. Zürich, Vdf.
27. Burgess, R. 2000. The Compact City Debate: a global perspective. *Compact Cities : sustainable urban forms for developing countries*. M. M. Jenks and R. Burgess (eds). London, Spon.
28. Cowan, R. 2005. *The dictionary of urbanism*, Streetwise Press.
29. Dictionary, O. E. 2009. 1989. OED Online, Oxford University Press. University of Texas Libraries.
30. Elaraby, K. G. 1996. "Neo-Islamic Architecture and Urban Design in the Middle East: from threshold to adaptive design." *Built Environment* 22(2): 138-150.
31. Georgiou, M. 2006. Architectural privacy: a topological approach to relational design problems. Unpublished Master of Science, Bartlett School of Graduate Studies, University College London.
32. Gordon, S. 2004. Privacy: A Study of Attitudes and Behaviors in US, UK and EU Information Security Professionals." *Symantec White Paper*.
33. Hakim, B. S. 1986. *Arabic-Islamic Cities: building and planning principles*. London and New York, KPI.
34. Hakim, B. S. 1994. "The "Urf" and its Role in Diversifying the Architecture of Traditional Islamic Cities." *Journal of Architectural and Planning Research* 11.127-108- (2).
35. Hakim, B. S. 2008. "Mediterranean urban and building codes: origins, content, impact, and lessons." *Urban Design International* 13(1): 21-40.
36. Hall, E. T. 1966. *Distances in Man: The Hidden Dimension*. Garden City, New York: Double Day.
37. Hashim, A. H. and Z. A. Rahim .2008. "The Influence of Privacy Regulation on Urban Malay Families Living in Terrace Housing." *Archnet IJAR* 2.
38. Hashim, A. H., Z. A. Rahim, et al. 2006. "Visual privacy and family intimacy: a case study of Malay inhabitants living in two-storey low-cost terrace housing." *ENVIRONMENT AND PLANNING B* 33(2): 301-318.
39. Hutchison, R., Ed. 2010. *Encyclopedia of urban studies*. Loss Angels, London, SAGE Publications, Inc.
40. Kent, S. 1984. *Analyzing activity areas: an ethnoarchaeological study of the use of space*, University of New Mexico Press.
41. Khazanov, A. M., J. Crookenden, et al. 1994. *Nomads and the outside world*, Univ of Wisconsin Pr.
42. Lawrence, R. J. 1990. "Public collective and private space: a study of urban housing in Switzerland." *Domestic Architecture and The Use of Space*, Kent, S (Ed): 73-91.



43. Lawson, B.2001. *The Language of Space*. Oxford, Architectural Press
44. Madanipour, A.1998. *Tehran: the making of a metropolis*. Chichester, England, John Wiley.
45. Madanipour, A.2003. *Public and Private Spaces of the City*. London, New York, Routledge.
46. Margulis, S. T.2003. "Privacy as a Social Issue and Behavioral Concept." *Journal of Social Issues* 59(2): 243--261.
47. Mazumdar, S. and S. Mazumdar.2001. "Rethinking Public and Private Space: religion and women in Muslim society." *Journal of Architectural and Planning Research* 18(4): 302-324.
48. Memarian, G. and A. Sadoughi.2011. "Application of access graphs and home culture: Examining factors relative to climate and privacy in Iranian houses." *Scientific Research and Essays* 6(30): 6350-6363.
49. Memarian, G. and F. E. Brown.2003. "Climate Culture and Religion: aspects of the traditional courtyard house in Iran." *Architecture and Planning Research* 20(3): 180-198.
50. Merriam-Webster, I.2009. "Merriam-webster online dictionary." Springfield
51. Monteguinn, F.-A. d.1983. *The Essence of Urban Existence in the World of Islam*. In *Islamic Architecture and Urbanism*. A. Germen(ed). Dammam, Ging Faisal university: 43-63.
52. Mortada, H.2003. *Traditional Islamic principles of built environment*, Routledge.
53. Newell, P. B.1998. "A cross-cultural comparison of privacy definitions and functions: A systems approach." *Journal of Environmental Psychology* 18(4): 357-371.
54. Oliver, P., Ed.1997. *Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World*. Cambridge, Cambridge University Press.
55. Parker, S.2004. *Urban theory and the urban experience: encountering the city*. London, Routledge.
56. Rapoport, A.1962. *House form and culture*. New Jersey, Prentice-Hall, Englewood Cliffs.
57. Rapoport, A.1977. *Human Aspects of Urban Form : towards a man-environment approach to urban form and design*. Oxford, Pergamon Press,.
58. Rapoport, A.1990. *History and Precedent in Environmental Design*. New York, Plenum Press.
59. Petherbridge, G.1984. *The House and Society*. *Architecture of the Islamic world: its history and social meaning*. G. Michell(ed). London, Thames and Hudson: 176-208.
60. Saleh, M. A. E.1997. "Privacy and Communal Socialization: the role of Space in the security of Traditional and Contemporary Neighborhoods in Saudi Arabia." *Habitat International* 21(2): 167-184.
61. Saleh, M. A. E. 1998. "The Impact of Islamic and Customary Laws on Urban Form Development in Southwestern Saudi Arabia." *Habitat International* 22(4): 537-556.
62. Saoud, R.1997. Urban form, social change and the threat of civil war in North Africa. *Third World Planning Review* 19, 289–312
63. Schoeman, F. D.1984. *Philosophical dimensions of privacy: An anthology*, Cambridge Univ Pr.
64. Stewart, D. J.2001. "Middle East Urban Studies: identity and meaning." *Urban Geography* 22(2): 175–181.
65. Warren, J. and I. Fethi.1982. *Traditional Houses in Baghdad*. Horsham, England, Coach.
66. W.Caves, R., Ed.2005. *Encyclopedia of the City*. LONDON AND NEW YORK, Routledge.
67. Witte, N.2003. *Privacy: Architecture in Support of Privacy Regulation*. Architectural thesis. Cincinnati, University of Cincinnati. Master: 79.





• The Concept of Privacy and Space in Islamic cities

• **Hooshmand Alizadeh***

Associate Prof of urban design, Dept. of urban Planning and Design
Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan

• **Kayoumars Irandoost****

Assistant Prof, Dept. of urban Planning and Design,
Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan

• **Kyoomars Habibi*****

Assistant Prof, Dept. of urban Planning and Design,
Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan

• **Mohamad Bashir Robati******

lecturer, Dept. of urban Planning and Design,
Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan

• Abstract

Regarding the key theme of the paper, visual privacy, it is first necessary to review the content of urban studies to find out why/how has privacy been discussed or ignored in urban studies to date. Instead of direct reference to the privacy, the urban studies literature mainly highlights the concepts of territoriality and personal space, two ways in which people create different types of boundaries to regulate their interaction with others in their environment. These two implicitly define the concept of privacy as both have acquired spatial and social dimensions. Alongside these two concepts which were mainly borrowed from behavioral studies, there are some references to the concepts of privacy and community together in urban studies as well. In line with these, privacy is more concerned with private domain or intimate sphere and community with public one. In western culture, changes since the eighteenth century onwards has diminished private sphere as the institution of the family loses monopoly control over its privatized domain and ensured access to the public sphere, thus, the dichotomy of public and private space was mitigated. For this reason, direct reference to the concept of privacy which is more concerned with private domain has been ignored in urban and architectural studies in western culture. On the contrary, within the urban context of eastern culture especially those of the Muslim world the privacy is an utmost concern due to the nature of life was contextualized based on the Islamic law. Based on the holy Koran, as the main source of the Islamic law, the private domain has acquired prime importance because the family unit was recognized as the base of entire socio-cultural structure and a self-sustaining institution which ensures ideological and cultural stability over the entire spectrum of society. It is evident from this review that the concept of privacy is a ritualized and societal concept which has had a great influence on the urban form of the Islamic cities. Its diffusion throughout Islamic lands and its continuity from the pre-Islamic era made it a timeless and placeless concept transmittable to successive generations. Therefore, we can point out that, the core shaping forces underlying the Islamic cities are based upon the concept of privacy and its ground rules (internalized structure based on constraints and thresholds), which emanated from Islamic law. This defined a particular urban form in all Islamic lands which differs greatly from that referred to as the Western model. Therefore, in contrast to the thinking of some orientalist scholars, we can recognize that Islamic settlements are neither fortuitous nor amorphous in their organization, but they are expressions responding to patterns of social intercourse and allegiance particular to Islamic society and its natural context. The logical consequence of the concept of privacy and its relevance to the selected context concerns the way this concept and its relevant features determine the organization of space. It mostly contextualized a kind of layout to protect women from the eyes of strangers and to create clear distinctions and hierarchical spaces to highlight the role and the character of women in the building of the Islamic cities.

Key words: Visual privacy, public and private domains, Islamic cities

*. h.alizadeh@uok.ac.ir
(corresponding author)

** . kau1348@yahoo.com

***Habibi_ki@yahoo.co.uk

****mbashirarchitect@yahoo.com